

چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل در یک مطالعه کیفی

محمد اسحاقی^۱، سیده فاطمه محبی^{۲*}، شهربانو پاپی نژاد^۳، زینب جهاندار^۴

چکیده

در دهه‌های اخیر، نرخ باروری در ایران، به دلیل عوامل مختلف، تغییرات چشمگیری داشته و در این میان افزایش مشارکت زنان در نیروی کار و اشتغال مدرن نیز تغییراتی را در رفتار باروری ایجاد کرده است. از سوی دیگر، زنان شاغل نیز با چالش‌های مختلف در زمینه فرزندآوری دست به گریبان‌اند. بر این اساس، پژوهش حاضر در یک مطالعه کیفی و برپایه روش نظریه مبنایی و استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند، چالش‌های پیش روی زنان شاغل در فرزندآوری را بررسی کرده است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش را ۲۴ زن متأهل شاغل در بخش دولتی و خصوصی و در سنین ۲۴ تا ۳۶ سال تشکیل می‌دهند. داده‌های پژوهش با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق و نیمه ساخت یافته گردآوری شده است. از جمله سوالات محوری این پژوهش عبارت‌اند از: عوامل تعیین‌کننده چالش‌های فرزندآوری زنان مطالعه‌شده چه بوده است؟ راهبردهای زنان شاغل در مواجهه با چالش‌های فرزندآوری چه بوده است؟ پیامدهای این وضعیت چیست؟

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زنان شاغل با چالش‌های برون‌شغلی و چالش‌های درون‌شغلی در زمینه فرزندآوری مواجه‌اند که کنش‌های آن‌ها را به سمت کم‌فرزندی به‌مثابه سبک زندگی سوق می‌دهد. سوژه‌های پژوهش، کم‌فرزندی را جزء تفکیک‌ناپذیری از رفتار اجتماعی و سبک زندگی کنونی محسوب می‌کند.

کلیدواژگان

فرزندآوری، روش کیفی، زنان شاغل، سبک زندگی، کم‌فرزندی، نظریه مبنایی.

m.eshaghi@ut.ac.ir
mohebi_sf@yahoo.com
sh_papynzhad@yahoo.com
z.jahandar114@gmail.com

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه تهران
۲. کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی
۳. کارشناسی ارشد مطالعات زنان
۴. دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران- دانشگاه تهران
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۳۰

مقدمه و طرح مسئله

فرزندآوری یکی از مؤلفه‌های مهم علم جمعیت و از جمله موضوعاتی است که در حوزه مسائل اجتماعی توجه زیادی را به خویش معطوف داشته است. مطالعات جمعیتی ایران نشان می‌دهد رشد جمعیت ایران در سرشماری ۱۳۹۰ به ۱/۲۹ درصد کاهش یافته و نرخ باروری کل به ۱/۷ رسیده است. به عبارت دیگر، در حال حاضر تعداد فرزندان که هر زن ایرانی طی دوران باروری خود زنده به دنیا می‌آورد ۱/۷ است؛ یعنی ماحصل ازدواج دو نفر به وجود آمدن کمتر از دو نفر است که به اصطلاح به این وضعیت، نرخ باروری پایین‌تر از حد جایگزین^۱ گفته می‌شود. این وضعیت از یک سو ناشی از اعمال برخی سیاست‌های کنترل جمعیت و از سوی دیگر ناشی از وقوع برخی تغییرات اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی در کشور بوده است. تحولات سطوح باروری، چه در ایران و چه در سایر کشورها، نشان داده است که کاهش زاد و ولد در سطح دو بچه متوقف نخواهد ماند و روند کاهشی فرزندآوری به سطح باروری پایین (کمتر از سطح جانشینی ۲/۱ فرزند) و بسیار پایین (کمتر از میزان باروری کل ۱/۳ فرزند) ادامه می‌یابد. با تغییر تدریجی هرم سنی جمعیت و تبعات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و امنیتی آن برای کشور، مسئله تحولات جمعیتی ایران به فهرست مسائل اجتماعی کشور افزوده شده و ضروری است عوامل مستقیم و غیرمستقیم اثرگذار بر این شرایط شناسایی شوند. از جمله این عوامل، تأثیر اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان بر نرخ باروری است. هرچند نرخ اشتغال زنان در ایران در حد پایین است و تأثیرگذاری این عامل بسیار کمتر از سایر عوامل نظیر افزایش تحصیلات زنان و افزایش سن ازدواج است، مطالعه چالش‌های مربوط به فرزندآوری زنان شاغل به‌منزله یک عامل جزئی اثرگذار می‌تواند گامی علمی در جهت تبیین علل کاهش «نرخ باروری کل» در کشور محسوب شود.

پیشینه پژوهش

پژوهش انجام‌شده از سوی کیو^۲ در سال ۱۹۷۳ با عنوان «ازدواج، باروری، و بازار کار در ایالات متحده آمریکا» نشان می‌دهد که طی چهار سال گذشته، تعداد زیادی از زنان وارد بازار کار شده‌اند. اشتغال و بازار کار در ساختار خانوادگی آن‌ها تغییراتی را ایجاد کرده و به تعویق نقش مادری منجر شده است. روبین لودن پیچ^۳ (۲۰۰۶) در پژوهش خود بیان می‌کند زنان با درآمد بالا و شغل خوب به دلیل مشارکت و حضور مستمر در عرصه‌های عمومی، تمایل کمتری به

1. sub replacement fertility
2. Kuo, Yu, chen
3. Loudon Page

فرزندآوری دارند [۷، ص ۸۸]. هیندین^۱ (۲۰۰۰) بیان می‌کند علاوه بر نوع شغل و بخش شغلی که زن در آن شاغل است، نوع جامعه و هنجارهای حاکم در اشتغال بیرون از منزل نیز در باروری تعیین‌کننده است [۷، ص ۸۸]. لینگ یانگ (۲۰۰۰) در پژوهش خود نشان می‌دهد که هزینه‌های فزاینده داشتن فرزند باعث کاهش تمایل زنان به فرزنددار شدن و افزایش تمایل آن‌ها به فعالیت اقتصادی می‌شود [۱۱]. از نظر ولر^۲ (۱۹۹۷) نیز زمانی که به‌طور بالقوه به بازار کار اختصاص داده می‌شود همان زمانی است که از اختصاص آن به کودک خودداری و به تغییر شکل بین وظایف مادری و کارگری منتج می‌شود [۱۰، ص ۵۸]. هاروی و جیمز^۳ (۱۹۹۶) بیان می‌دارند که مشارکت زنان در نیروی کار تأثیر بسزایی در فواصل زمانی بارداری دارد. همچنین، از نظر ریدلی^۴ (۱۹۵۹) تجربه کار طولانی همراه با باروری کمتر خواهد بود. ریدر و رستاف^۵ (۱۹۶۵) اظهار می‌دارند زمانی که کار می‌کنند به دلیل علاقه به کار کردن، انتظار داشتن فرزندان کمتری دارند. کالور^۶ (۱۹۶۸) نیز در مطالعه خود دریافت که مشارکت زنان در نیروی کار و تمایل به کاهش در نرخ‌های تولد در کلان‌شهرها، به علت تقاضای افزایش‌یافته برای استخدام از سوی کارفرمایان است [۱۰، ص ۶۰].

مهریار و دیگران (۲۰۰۳) مطالعه‌ای با هدف بررسی رابطه بین تحصیلات و فعالیت اقتصادی زنان با باروری در ایران انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از همبستگی میان میزان فعالیت اقتصادی زنان و رفتار باروری آن‌هاست. در مجموع، استان‌هایی با میزان بالای اشتغال زنان، باروری پایین‌تر و میزان استفاده از وسایل جلوگیری بالاتری دارند. همچنین در سطح فردی زنان فعال از لحاظ اقتصادی تمایل به باروری پایین‌تری دارند. از طرفی داشتن تحصیلات بالا به حضور و مشارکت بیشتر زنان در مسائل اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جامعه منجر شده و بسیاری از فرصت‌های فرزندآوری و تربیت آن‌ها را به صورت دلخواه با انجام دادن دیگر فعالیت‌های روزمره جایگزین می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد بین فعالیت زنان در خارج از منزل و کاهش باروری رابطه وجود دارد. به این طریق که زمانی که در خارج از منزل شغلی دارند و ساعاتی از فرصت خود را در محل کار سپری می‌کنند، فرزندان کمتری را به دنیا می‌آورند [۹]. زارع شاه‌آبادی (۱۳۸۵) در پژوهش خود مطرح می‌کند که اشتغال زنان و استقلال اقتصادی و اجتماعی آن‌ها و مطالبه تساوی جنسیتی نقش مؤثری در کاهش باروری دارد. راهنورد و همکاران (۱۳۷۹) در مطالعه‌ای نشان دادند که میزان اشتغال زنان بیشترین تأثیر مستقیم را بر کاهش میزان باروری کل در ایران نشان می‌دهد. موسایی (۱۳۸۹) در

1. Hindin
2. Weller
3. Harvey and James
4. Ridley
5. Ryder and westoff
6. Collver

مطالعه خود نتیجه می‌گیرد که در ایران رابطه دوطرفه علی بین اشتغال زنان و باروری وجود دارد. بدین معنا که افزایش در نرخ‌های باروری می‌تواند موجب کم‌شدن نیروی کار زنان و در نتیجه کاهش مشارکت آن‌ها در نیروی کار شود و از سوی دیگر با افزایش اشتغال زنان نرخ‌های باروری نیز کاهش خواهد یافت. اگرچه در بسیاری از مطالعات به رابطه اشتغال و باروری پرداخته شده، تاکنون مطالعه کیفی درباره چالش‌های مربوط به فرزندآوری زنان شاغل انجام نشده است.

ملاحظات نظری

با توجه به ماهیت کیفی پژوهش حاضر، پژوهشگران با یک رویکرد نظری خاص و مشخص به بررسی پدیده مورد نظر پرداخته‌اند و از نظریه‌های مرتبط در راستای ارتقای حساسیت نظری در این پژوهش استفاده شده است. در این قسمت، به اختصار بعضی از نظریه‌ها مرتبط در تحلیل مسئله چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل ارائه می‌شود.

۱. نظریه تقابل بین کمیت و کیفیت فرزندان

بیکر^۱ فرض می‌کند که والدین به علت نوع دوستی نیز به مطلوبیت فرزندان خود علاقه‌مندند و رفاه فرزندان در گرو سرمایه انسانی (و فیزیکی) و کیفیت آن‌هاست [۱۵، ص ۶۵]. امروزه، مادران فقط به دنبال کمیت در خانواده نیستند؛ یعنی تعداد زیاد فرزندان هدف نیست، بلکه کیفیت نگهداری، آموزش و پرورش، و از همه مهم‌تر تربیت و تأمین رفاه فرزندان است که اهمیت دارد. افزایش نگرانی مادران به آینده فرزندان سخت‌تر از سابق شده است.

۲. نظریه رفتار مصرف‌کننده و اقتصاد باروری خانوار

بر اساس این نظریه، فرض بر این است که رفتار انسان، اقتصادی و معقول است و چون تصمیم برای بچه‌دار شدن نیز منشأ اقتصادی دارد، بنابراین نظریه رفتار فرد مصرف‌کننده درباره انتخاب بچه‌دار شدن نیز به کار گرفته شده است. نظریه خرد اقتصاد باروری بر این فرض استوار است که به دلایل زیاد، کودکان همانند سایر کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای به حساب می‌آیند. بنابراین، تقاضا برای بچه‌دار شدن در مقیاس یک خانوار، تحت تأثیر مواردی از جمله هزینه پرورش آن‌ها قرار می‌گیرد. پدر و مادر، هزینه به وجود آمدن و منافع مالی آینده آن‌ها را باهم مقایسه می‌کنند که در اینجا منافع همان درآمد حاصل از کار کودک در مزرعه و یا کمک مالی وی در هنگام پیری والدین است و هزینه داشتن فرزند بیشتر شامل دو مورد می‌شود: اول

1. Gary Becker

هزینه فرصتی وقت مادر؛ یعنی اگر برای نگهداری فرزند در خانه نماند و به کار خارج از خانه مشغول شود، چه مقدار درآمد عایدش می‌شود و دوم هزینه تعلیم و تربیت فرزندان؛ یعنی مقایسه بین فرزند کمتر با کیفیت علمی بیشتر و فرزند بیشتر با کیفیت علمی کمتر. بر این اساس، هرگاه قیمت یا هزینه فرزندان به علت افزایش تحصیلات یا فرصت‌های اشتغال زنان یا افزایش در شهریه مدارس یا برقراری قانون مربوط به حداقل سن کودکان برای کار یا برقراری سیستم پرداخت بیمه سالمندان و... افزایش پیدا کند، آن‌گاه والدین فرزندان کمتری را تقاضا خواهند کرد [۷، ص ۲۳]. براساس این نظریه، افزایش تحصیلات و اشتغال زنان در ایران از جمله مواردی است که در راستای سیاست‌های کنترل جمعیت و درنهایت کاهش نرخ باروری در ایران تأثیرگذار بوده است.

۳. نظریه انتخاب عقلانی

اشپنگر^۱ (۱۹۶۶) تصمیم‌گیری برای داشتن یک فرزند اضافی را تابعی از سه متغیر «نظام ترجیحات»، «نظام قیمت‌ها»، و «درآمد» می‌داند. منظور از نظام ترجیحات، ارزشی است که یک زوج برای داشتن یک فرزند اضافی در مقایسه با ارزش سایر کالاها قائل‌اند. در نظام قیمت‌ها، منظور هزینه داشتن یک فرزند اضافی در مقایسه با هزینه دیگر کالاهای قابل اکتساب است و شامل هزینه‌های مالی، فرصت‌های زمانی، و فعالیت‌ها می‌شود. منظور از درآمد نیز میزان زمان و انرژی‌ای است که یک زوج برای پیگیری اهداف خود در زندگی در اختیار دارند. به نظر می‌رسد احتمال تصمیم‌گیری برای داشتن یک فرزند دیگر، با ارزش نسبی فرزند و میزان منابع در اختیار برای دستیابی به اهداف، رابطه‌ای مستقیم، و با هزینه پیش‌بینی‌شده رابطه معکوس دارد [۱۱].

۴. نظریه جهانی شدن

کالدول^۲ (۱۹۸۲)، فریدمن^۳ (۱۹۷۹ و ۱۹۸۷)، و وندکا^۴ (۱۹۹۶) تأکید کردند که در جریان جهانی شدن، ارزش‌ها و نگرش‌ها و ایده‌آل‌های غربی در همه مناطق دنیا منتشر خواهند شد و تأثیرات زیادی روی ارزش‌ها و رفتارهای خانواده در بسیاری از مناطق خارج از جهان غرب خواهند داشت [۲۰]. تغییر الگوی خانوادگی، فردگرایی، اشتغال تمام‌وقت، به‌خصوص برای زنان، افزایش هزینه‌های نگهداری و بزرگ کردن فرزندان به دلیل سیاست‌های مصرف‌گرایی اقتصاد

1. Spengler, J. J.
2. Caldwell
3. Feridman
4. Van de kaa, D.J

بازار، و اشتغال زنان و پیدایش تکنولوژی‌های کنترل بارداری، شهرنشینی و... از عواملی هستند که به خودی خود به کاهش جمعیت در کشورهای غربی انجامیده است. در ایران نیز، نفوذ مدرنیته و سبک زندگی غربی با تغییرات مشخص در نقش زنان در همه ابعاد زندگی اجتماعی همراه بوده است و فرزندآوری نیز از این تغییرات متأثر شده است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با استفاده از رویکردی تفسیرگرایانه تلاش می‌کند چالش‌های فراروی فرزندآوری را از نگاه زنان شاغل بازشناسی کند و با بهره‌گیری از رویکردی امیک مانع پیش روی زنان شاغل را در فرزندآوری کشف کند. به منظور رسیدن به این هدف، پژوهش حاضر از نوع کیفی و با روش نظریه زمینه‌ای یا گراند تئوری انجام شده است. گلپزر و اشتروس^۱ بر این باورند که نظریه مبنایی روشی استقرایی است که از داده‌هایی که به طور منظم از پژوهش اجتماعی به دست آمده، نظریه تولید می‌کند [۱۹، ص ۳]. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش را ۲۴ نفر از زنان متأهل شاغل ۲۴ تا ۳۶ سال تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری این پژوهش نمونه‌گیری هدفمند^۲ بوده است. در این تحقیق، انتخاب نمونه‌های بررسی شده براساس اشباع نظری جهت تدوین یک مدل پارادایمی و شکل‌گیری نظریه زمینه‌ای است. بدین‌منظور، تلاش شد زنان شاغل در شهر تهران برحسب محل اشتغال در بخش خصوصی و دولتی و نوع شغل اعم از اداری، کارگری، و نظامی و تنوع شغلی و تمرکز بیشتر زنان در برخی مشاغل، از طریق معرفی افراد انتخاب شوند. از جهت گردآوری داده‌ها نیز از تکنیک مصاحبه عمیق و نیمه ساخت یافته استفاده شد. همچنین، برای تحلیل داده‌ها از شیوه تحلیل کدگذاری استفاده شده است.

اشتروس و کربین کدگذاری را این‌گونه تعریف می‌کنند: «فرایندهای تحلیلی که از آن طریق، داده‌ها تفکیک، مفهوم‌پردازی، و یک‌پارچه می‌شوند تا نظریه را شکل دهند» [۲۱]. شایان ذکر است، ابزار تحلیلی استفاده‌شده در فرایند کدگذاری و تحلیل داده‌ها پارادایم^۳ است. اشتروس و کربین این ابزار تحلیلی را ابداع کرده‌اند. پارادایم شامل سه بخش اصلی شامل شرایط^۴، کنش/کنش متقابل^۵ و پیامدها^۶ است.

1. Glaser & Strauss
2. purposive
3. paradigm
4. condition
5. action/ interaction
6. consequences

یافته‌های پژوهش

جدول ۱. مشخصات شرکت‌کنندگان در مصاحبه پژوهش

ردیف	سن	تعداد فرزند	سن فرزند	سطح تحصیلات	بخش دولتی / خصوصی	شغل	نام مستعار
۱	۲۹	بدون فرزند	-	کارشناسی ارشد	غیرانتفاعی	معلم	بیتا
۲	۳۳	۱ فرزند	۴	فوق دیپلم	خصوصی	دستیار دندانپزشک	مریم
۳	۲۶	۱ فرزند	۱	لیسانس	خصوصی	کارمند شهرداری	الهام
۴	۳۳	۱ فرزند	۷	فوق دیپلم	خصوصی	تولیدی مانتو	لیلا
۵	۳۲	۱ فرزند	۵	دانشجوی کارشناسی ارشد	دولتی	کارمند اداره کار و تعاون	فیروزه
۶	۳۰	بدون فرزند	-	فوق دیپلم	خصوصی	کارمند شرکت دارویی	ندا
۷	۲۹	۱ فرزند	۳	کارشناسی ارشد	خصوصی	کارمند شرکت هواپیمایی	شراره
۸	۳۱	۱ فرزند	۳	لیسانس مهندسی	نیمه دولتی	ایران خودرو	اسیه
۹	۳۶	بدون فرزند	-	دکتر (پزشک)	خصوصی	مطب و بیمارستان	شیدا
۱۰	۳۴	۱ فرزند	۴	فوق دیپلم	خصوصی	کارگر بسته‌بندی	راضیه
۱۱	۲۶	بدون فرزند	-	دانشجوی کارشناسی ارشد	دولتی	قوه قضائیه	پروانه
۱۲	۲۴	بدون فرزند	-	دانشجوی کارشناسی	خصوصی	دفتر پیشخوان دولت	سیما
۱۳	۳۴	یک فرزند	۵	لیسانس	دولتی	وزارت ارشاد	منیر
۱۴	۳۵	۲ فرزند	۵ و ۱	لیسانس	خصوصی	بانک	ستاره
۱۵	۳۰	بدون فرزند	-	لیسانس	دولتی	بانک	زهره
۱۶	۳۴	۱ فرزند	۳	کارشناسی ارشد	خصوصی	مدرس دانشگاه غیرانتفاعی	سمیه
۱۷	۳۶	۱ فرزند	۴	کارشناسی ارشد	خصوصی	مخابرات	پریسا
۱۸	۲۵	بدون فرزند	۱	دیپلم	خصوصی	دفتر بیمه	ترنم
۱۹	۲۹	بدون فرزند	-	لیسانس	دولتی	نیروی انتظامی	فاطمه

ردیف	سن	تعداد فرزند	سن فرزند	سطح تحصیلات	بخش دولتی/ خصوصی	شغل	نام مستعار
۲۰	۳۴	۱ فرزند	۲	لیسانس	دولتی	آموزش و پرورش	عاطفه
۲۱	۲۸	بدون فرزند	۳	لیسانس	خصوصی	مهدکودک	مهسا
۲۲	۳۴	۱ فرزند	۶	لیسانس	دولتی	دانشگاه تهران	فرشته
۲۳	۲۴	بدون فرزند	-	لیسانس	خصوصی	رادیولوژی	حمیده
۲۴	۳۳	۱ فرزند	۴	لیسانس	دولتی	دانشگاه آزاد	فرحناز

شرایط علی

۱. بدانگاری فرزندآوری بیشتر

با توجه به تغییرات صورت گرفته در وضعیت فعلی کشور، اندیشه و آمال خانواده‌ها درباره فرزندآوری، همانند بسیاری از پدیده‌های دیگر، تغییر کرده و مطلوب بودن «بعد کوچک خانواده» و بدانگاری خانواده‌هایی با فرزند بیشتر، رفتارها و کنش فرزندآوری نسل جوان را تحت تأثیر قرار داده است و به نظر می‌رسد روند آینده جمعیت کشور، متأثر از هنجارهای منفی درباره فرزندآوری بیشتر خواهد بود؛ به طوری که در مصاحبه‌های افراد به خوبی مشخص است:

- زنی که تعداد بچه‌هاش زیاد باشد بی کلاسیه و از طرف جامعه بی‌احترامی و توهین می‌بیند (فیروزه ۳۲ ساله).
- تو این چند سال هرچی نگاه می‌کنم توی این شهر دیگه کمتر خانم جوانی هست که بچه بغلش باشد. انگار بچه‌داری یه جورایی بی کلاسی شده. مردم آدم رو سرزنش می‌کنن (ستاره ۳۵ ساله).

۲. هزینه‌های فرزندآوری

از دیدگاه زنان شاغل مصاحبه‌شونده، فرزندان نه تنها یک منبع اقتصادی قلمداد نمی‌شوند، بلکه سرپرستی و نگهداری از آن‌ها مترادف با صرف زمان و هزینه‌های اقتصادی است. این در حالی است که در گذشته، فرزندان یک کالای مولد اقتصادی در خانواده محسوب می‌شدند و فرزند بیشتر، یکی از ملاک‌های اساسی خانواده در راستای مشارکت فرزندان در فعالیت‌های اقتصادی بود، اما در شرایط فعلی، داشتن فرزند از نظر مصاحبه‌شونده‌ها زمان‌بر، هزینه‌بر، و مشکل به نظر می‌رسد و در سال‌های اخیر نیز هزینه‌های فرزندآوری و داشتن آن افزایش چشمگیری داشته است. چند مورد از نکات مطرح شده از سوی افراد مصاحبه‌شونده به قرار ذیل است:

- شما ببینید هزینه مواظبت‌های قبل از زایمان مثل سونو و آزمایش و ویزیت و...

بعدش هزینه زایمان...، اگه سزارین بشه که خیلی زیاده. هزینه لباس و پوشک و... رو هم اضافه کنید، اون هم اول زندگی (سیما ۲۴ساله).

- به خاطر کمک به خرج و مخارج خونه شاغل شدم. برای بچه دیگه وسعمون نمی‌رسه (فاطمه ۲۹ساله).

- اگه یه نفر دیگه به خانواده اضافه بشه، پیدا کردن خونه هم همون قدر مشکل می‌شه (منیر ۳۴ساله).

- دلم می‌خواد یه وقتی بچه‌دار بشم که اوضاع اقتصادی‌مون رو به راه باشه. می‌خوام بچه‌م حسرت چیزی رو نخوره و خوب خرجش کنم تا یه آدم حسابی بشه (زهرا ۳۰ساله).

۳. بازاندیشی در نقش مادری

انسان‌ها براساس معیارها و ارزش‌های مدنظر خود همواره در ابعاد مختلف زندگی بازاندیشی می‌کنند. فرزندآوری هم به‌منزله یکی از جنبه‌های مهم زندگی، از این معیار و ارزش‌ها تأثیر پذیرفته است. نفوذ مدرنیته و تأثیرپذیری از فرهنگ جهانی در کشور ما نیز تا حد زیادی ارزش‌های حاکم بر ذهن افراد جامعه را با تغییراتی همراه کرده است. حضور و غلبه فرهنگ مصرفی، که عمدتاً نیز رهاوردی غربی است، می‌تواند بر ذهنیت کنشگران تأثیرگذار باشد. میل به مصرف‌گرایی و به‌تبع آن تأمین مخارج لازم می‌تواند زنان را به سوی بازار کار سوق دهد و آن‌ها را از نقش‌های سنتی خود دور کند. از سوی دیگر، به واسطه نفوذ ارزش‌های جهانی‌شدن، برخی زنان شاغل و جوان، هویت، منزلت، و فرصت دسترسی به بسیاری از اهداف و خواسته‌هایشان را با نقش مادری مرتبط می‌دانند و نقش مادری را که در گذشته به‌عنوان یک اسطوره قلمداد می‌شد، دیگر به‌منزله نقش محتوم نمی‌شمارند؛ به‌گونه‌ای که برای برخی از زنان، پیشرفت و استقلال اقتصادی بر پذیرش نقش مادری مقدم تلقی شده و ارزش‌ها، نگرش‌ها، و تعریف‌های مربوط به نقش آن‌ها در خانواده، از سوی آنان بازاندیشی شده و مشروعیت آن نگرش‌ها مورد سؤال قرار گرفته و نقش مادری را تنها و یا بهترین نقش زنان نمی‌دانند، بلکه آن را در کنار و همراه سایر نقش‌ها مورد ملاحظه قرار می‌دهند یا از پذیرش نقش مادری با تأخیر زمانی سخن می‌گویند.

- الان اگر می‌خوای امروزی و مدرن باشی، باید بچه کمی داشته باشی، چون با بچه‌داری از زمنه عقب می‌مونی (حمیده ۲۴ساله).

- اصلاً من علاقه‌ای به بچه‌داری ندارم و دلم می‌خواد به آرزوهای زندگی‌م برسم. اگر هم یه بچه داشته باشم، فقط برای اینکه جلوی حرف مردم رو بگیرم که نکن بچه‌دار نمی‌شه (مهسا ۲۸ساله).

۴. بازاندیشی در ارزش فرزند

جهانی شدن نگرش افراد را در ارزش گذاری برای فرزندآوری تغییر داده، به گونه ای که به فواید معنوی و عاطفی داشتن فرزند کمتر توجه می شود و پیامدسنجی اقتصادی فرزندداشتن، ارزش های معنوی فرزندآوری را تحت الشعاع قرار داده و آن را با چالش های مختلفی مواجه کرده است. زنان شاغل پاسخگو در این پژوهش بر این باورند که در شرایط فعلی، نسل جدید خواسته ها و نیازهای عاطفی خود را در فرزندان نمی یابد و تمایلی برای فرزندآوری ندارد و نگرش منفی نسبت به پیامدهای فرزند بیش از آثار مثبت فرزندآوری در ذهنش متصور است. این نکته در سخنان برخی مصاحبه شونده گان مطرح شده است :

- در مجموع، به نظر من بچه مانع راحتی و رفاه زن و شوهرهاست و همون یکی بسه (ترنم ۲۵ساله).

- الان طوری شده که بچه ها کمتر به پدر و مادرشون محبت دارن و بیشترشون به جای کمک کردن به اون ها، ازشون توقع دارن (فرحناز ۳۳ساله).

۵. تغییر از فرزندآوری به فرزندپروری

تغییر جهت گیری والدین از افزایش کمیت فرزندان به سمت افزایش کیفیت از مواردی است که موجب کاهش گرایش خانواده ها به فرزندآوری شده است. در حال حاضر، با توجه به نظریه های سوژه های پژوهش، به نظر می رسد نگرانی های اجتماعی فرزندپروری مادران شاغل به سمت تأمین نیازهای مادی ای که به خصوص از سوی رسانه ها اشاعه داده می شود، معطوف شده است. بسیاری از والدین کشف و پرورش استعداد های کودکان خود را در گرو آموزش فرزندان در مدارس غیرانتفاعی و حضور در فوق برنامه های آموزشی نظیر هنر، موسیقی، ورزش، کلاس های زبان خارجه، و... می دانند. از سوی دیگر، با مصرف گرا شدن افراد جامعه، برخی از والدین کیفیت و توجه به فرزند را در تهیه انواع لباس های مارک، اسباب بازی های به روز، غنی تر کردن اوقات فراغت فرزندان با انواع و اقسام کالاهای دیجیتال، و حمایت همه جانبه و مکرر از کودک و تأمین خواسته های مادی وی می دانند و تأمین نکردن آن را نوعی غفلت از نیازهای اصلی فرزندان برمی شمارند. بر این اساس، نگاه سوژه های مطالعه از فرزندآوری به فرزندپروری و تأکید بر کاهش تعداد فرزندان و توجه به افزایش کیفیت زندگی آنان همراه بود:

- پدر و مادری برای بچه های امروزی خیلی مسئولیت داره. بچه ها فردا از آدم توقع دارن. به نظر من باید برای رفاهشون و آینده شون فکر کرد، برای تربیتشون اطلاعات تربیتی داشت و خلاصه آسون نیست (شراره ۲۹ساله).

- اگه بخوای بچه واقعاً آینده ش خوب بشه، باید براش خرج کنی، مدرسه خوب و

غیرانتفاعی، وسایل آموزشی، کلاس مختلف حتی کلاس‌های زبان، ورزش و موسیقی. این‌ها همه خرج داره (آسیه ۳۱ساله).

شرایط مداخله‌گر

۱. شرایط کاری زنان

بلا تکلیفی شغلی و نبود امنیت شغلی، برنامه زمانی غیرقابل انعطاف کاری، ساعت‌های کاری غیرقابل پیش‌بینی، ساعت‌های طولانی کار، شیفت‌های کاری، کنترل کمتر بر شغل، مشاغل پرزحمت یا خطرناک، و... از جمله شرایط نامطلوبی است که برخی زنان شاغل در زمینه فرزندآوری مطرح کرده‌اند؛ به گونه‌ای که این وضعیت‌های شغلی در تصمیم‌گیری آن‌ها برای داشتن فرزند یا فرزند بیشتر تأثیرگذار بوده است. به‌ویژه اگر کسب شغل از نظر فرد یک فرصت و موفقیت اجتماعی قلمداد شود:

- ساعات کاریم زیاده. وقتی هم از سر کار برمی‌گردم این قدر خسته‌م که نمی‌تونم برای بچه مادری کنم (مریم ۳۳ساله).

- محیط کار ما طوریه که حتی نمی‌تونیم از مرخصی استحقاقی استفاده کنیم، چه برسه به اینکه من شیش ماه برای به دنیا آوردن بچه سر کار نیام (راضیه ۳۴ساله).

۲. برجستگی هویت شغلی

در دنیای کنونی، کارکرد شغل فقط برای تأمین مایحتاج زندگی فرد نیست، بلکه سبک زندگی و حتی نوع نگرش او را نیز شکل می‌دهد. بالارفتن موقعیت اقتصادی-اجتماعی زنان و تمایل آن‌ها برای پیشرفت، تلاش برای استقلال مالی، و برجستگی هویت شغلی، زنان را وامی‌دارد فرزندان کمتری داشته باشند. در پی این تغییرات، تصمیم برای داشتن فرزند، دیگر تصمیمی مردانه نیست و زنان نیز در این زمینه از قدرت تصمیم‌گیری بیشتری برخوردار شده‌اند. در این مطالعه، تأکید زیاد زنان بر اشتغال، موقعیت اجتماعی، موفقیت‌های شغلی، و داشتن مشغله‌های کاری نشان داد که این موارد به‌عنوان شرایط مداخله‌گر و اثرگذار در فرزندآوری تأثیر بسزایی دارند. در مصاحبه‌های زنان درخصوص فرزندآوری، اهمیت هویت شغلی مستقل و داشتن موفقیت شغلی مشخص است:

- بچه جای خودش، شخصیت اجتماعی من هم جای خودش. یک خانم باید خیلی در تصمیمش قاطع باشه تا بتونه از موقعیت اجتماعی و اقتصادی خودش دست بکشه و بچه بیاره (شیدا ۳۶ساله).

۳. قدرت چانه‌زنی زنان

قدرت چانه‌زنی هر یک از زوج‌ها در مقابل یکدیگر، عامل تعیین‌کننده و مهمی در تصمیم‌گیری

جمعی درون خانواده در همه موارد، از جمله داشتن فرزند، است. هر اقدامی در جهت افزایش قدرت چانه‌زنی زنان در خانواده نظیر اشتغال زنان و سهمیم بودن آنها در درآمد خانواده، با توجه به نظریه‌های سوژه‌های تحقیق، به افزایش قدرت چانه‌زنی آنها در مورد فرزندآوری، زمان، و تعداد فرزندان منجر می‌شود. یکی از زنان مطالعه شده می‌گوید:

- وقتی من هم توی درآمد خانواده نقش دارم، پس باید بتونم تو تصمیم‌گیری زندگی‌مون مثلاً در مورد اینکه چند تا بچه داشته باشیم حرفی بزنم (عاطفه ۳۴ساله).

۴. تعارض نقش‌های شغلی- خانوادگی (مادری و همسری)

خانواده‌های دودرآمدی بخش بزرگ و رو به رشدی از نیروی کار را تشکیل می‌دهند. زنان شاغل فشار مضاعفی را متحمل می‌شوند، زیرا اغلب آنها باید بار دو مسئولیت خانه‌داری و فعالیت اجتماعی را به دوش بکشند. مشغولیت در دو محیط و داشتن مسئولیت‌های سنگین، مشکلاتی را دربردارد که باعث از دست رفتن توان و نیروی زنان شده و موجب می‌شود که آنها کمتر بتوانند به‌طور مطلوب در هریک از این زمینه‌ها کارایی لازم را داشته باشند. زنان در پاسخگویی به انتظارات و نیازهای هر دو نقش «خانوادگی و شغلی»، که مستلزم توان و پاسخگویی بالاست، بعضاً با کمبود انرژی و در نتیجه ضعف و ناتوانی روبه‌رو می‌شوند. ترکیب تعهد مادر بودن با اشتغال و کار در مواردی به تضاد و تناقض برای زنان منجر می‌شود و در مواردی با فشارهای جسمی و روانی همراه می‌گردد. از سوی دیگر، وظایف والدین با افزایش تعداد فرزندان افزایش می‌یابد و هرچه سن فرزندان کمتر باشد، مواظبت و مراقبت از آنها وقت بیشتری از والدین، به‌ویژه مادر، طلب می‌کند و بنابراین احتمال بروز تداخل نقش‌های خانوادگی با نقش‌های شغلی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، در محیط کار نیز کارفرمایان از زنان شاغل انتظار دارند که با بالاترین وجدان کاری و پایه‌پای مردان همکار خویش، به ارائه خدمات و انجام وظایف شغلی بپردازند و معمولاً اغمازی هم درباره شرایط آنها صورت نمی‌گیرد و هر درخواست یا اقدامی از جانب زنان شاغل، مانند درخواست مرخصی ساعتی، مرخصی زایمان، مخالفت با پذیرش شیفت‌های اضافی کار، و امتناع از پذیرش مسئولیت‌های شغلی سنگین‌تر و نظایر آن، از سوی کارفرماها به‌منزله شواهدی دال بر اینکه مادران شاغل به‌عنوان نیروی انسانی نامطمئن، تقصیر کار، و ناتوان‌اند، تعبیر می‌شود.

- سر کار باشی و ذهنت پیش بچه باشه اون کار واسه آدم دیگه کار نمی‌شه (فرحناز ۳۳ساله).

- نگرانی در مورد کارهای خونه و مواظبت بچه نمی‌ذاره کارم رو با حواس جمع انجام بدم (فرشته ۳۴ساله).

۵. تجربه زیسته فرزندآوری

زنان باورها، تصورات، و تجربه‌های زیسته گوناگونی از فرزندآوری و زایمان دارند. منظور از

تجربه زیسته تجاری است که در فرایند فرزندآوری، الگوهای مراقبتی زنان باردار، و امر زایمان اتفاق افتاده است. زنان به اشکال گوناگونی فرایندها و تجربه‌های زیسته مربوط به باروری، فرزندآوری، زایمان، و مادری را می‌فهمند. در دوران بارداری، برخی زنان ممکن است در بسیاری از مکان‌ها احساس ناراحتی و عدم استقلال کنند و از رفتن به برخی مکان‌ها اجتناب کنند. بارداری زنان به سبب آنکه برای آن‌ها محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند و توانایی‌های جسمی آن‌ها را کاهش می‌دهد، گاهی سبب جداسدن آن‌ها از فضاهای عمومی، مجالس خانوادگی، و محدودیت در معاشرت‌ها و فعالیت‌های آن‌ها می‌شود؛ به گونه‌ای که برخی از زنان این تجربه و باور را عنصری بازدارنده در تمایل به فرزندآوری می‌دانند. گاهی نیز مشکلات پرفرزندگی در خانواده پرجمعیت پدری خود و همسر و تجربه زیسته آن‌ها، بر تصمیم‌گیری‌شان درباره فرزندآوری تأثیرگذار بوده است.

- من به خاطر دنیا آوردن همین به بچه، خیلی از نظر سلامتی لطمه دیدم و توان جسمی کم شده (راضیه ۳۴ساله).

- بارداری و مادرشدن واقعاً به دوره خاص و سخته. هر روزش یه داستان و ماجرا داره! دلواپسی‌های سلامتی بچه و خودم. مشکلات کاری و محدودشدن‌هایی که زن باردار باید رعایت کنه و بعدش هم اگه بچه باشه، باید مدام مواظب سلامتی بچه باشی (پریسا ۳۶ساله).

۶. ضعف در خودکارآمدی مادرانه

به نظر می‌رسد اشتغال زنان و درگیری‌های روزمره زنان شاغل، احساس توانایی و توانمندی آن‌ها را در درگیر شدن با مسائل بچه‌داری کاهش می‌دهد. برخی از آن‌ها از اینکه چگونه خود را با شرایط نقش مادری وفق دهند، ترس و نگرانی زیادی دارند و خودکارآمدی‌شان ضعیف است. به عبارتی دیگر، باورهای زنان به توانایی‌هایشان در اعمال کنترل بر شرایط فرزندآوری بر تصمیم آن‌ها به تأخیر فرزندآوری تأثیر دارد.

- فکر می‌کنم چون شاغلم اگه بچه‌دار بشم، کمتر می‌تونم به بچه برسم و توانایی و صلاحیت بچه‌دارشدن ندارم (ترنم ۲۵ساله).

- یه مادر شاغل همیشه این نگرانی رو داره که می‌تونه برای فرزندش وقت بذاره و با اون حرف بزنه یا نه! (ندا ۳۰ساله).

۷. رضایت زناشویی

برخی از زوجها، که هنوز به تداوم زندگی زناشویی خود اطمینان ندارند و اختلافات زناشویی و کشمکش‌های درونی خانواده، پایداری زندگی آن‌ها را تهدید می‌کند، تمایلی به فرزندآوری ندارند تا بدین نحو زندگی فرزندشان از طلاق متأثر نشود. تعدادی از زوجها هم تصور می‌کنند

که با ورود فرزند به زندگی مشترکشان، نظم و ترتیب از زندگی آن‌ها رخت بر خواهد بست و رضایت زناشویی آن‌ها کم می‌شود. خوشی و آسودگی آن‌ها از بین رفته و علاقه‌شان به یکدیگر کم خواهد شد. با توجه به این تصورات، فرزندآوری را به تأخیر می‌اندازند یا از آن صرف‌نظر می‌کنند. سخنان مصاحبه‌شوندگان به این موضوع اشاره کرده است:

- بچه باعث محدودیت تو زندگی می‌شه. به اصطلاح دست و پای آدم رو می‌بنده. مخصوصاً اگه از زندگی ت دل خوشی نداشته باشی و احتمال طلاق هم بدی (بی‌تا ۲۹ساله).

- من فکر می‌کنم توجه به بچه ممکنه باعث شه از توجه به همدیگه غافل بشیم. توجه زیاد به بچه احتمال داره که باعث ناراحتی همسرم بشه چون فکر می‌کنه بهش کمتر توجه می‌شه (ترنم ۲۵ساله).

- با اومدن بچه خلوت دو نفره مون به هم می‌خوره (حمیده ۲۴ساله).

۸. انضباط نامرئی بدن

نوع کنترل و نظارتی که بر بدن اعمال می‌شود نظمی را دنبال می‌کند که جامعه در پی آن است؛ آن‌گونه که به تعبیر فوکو، بدن زنان به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی تحت تأثیر فشار اجتماعی - که ارزش و فرم آن را تعیین می‌کند - تغییر شکل می‌دهد و این تغییر شکل بر منزلت یا وضع اجتماعی آنان کمک شایان توجهی می‌کند. توجه به بدن بر هویت اجتماعی فرد اثر می‌گذارد. افراد برای تولید و بازتولید هویت خود و تأثیرگذاری بر دیگران و البته زیر فشار جامعه به انحای گوناگون بدن‌هایشان را مورد انضباط و مراقبت قرار می‌دهند و با استفاده از ابزارهای گوناگون موجود آن را مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای درون جامعه می‌آریند یا آنکه زنان به دلیل حفظ تناسب اندام خود، میل به فرزندآوری را در خود کاهش می‌دهند. برخی از زنان شاغل اهمیت سلامتی، جوانی، شادابی، لذت، و استفاده از عمر و نیز توجه به ظاهر و بدن را با فرزندآوری مغایر شمرده‌اند:

- باردار که باشی نمی‌تونی هرطور که می‌خوای لباس بپوشی یا موهات رو رنگ کنی و مدام برای سلامتی بچه باید یه جورایی از توجه به مد و زیبایی بگذری، که خیلی کار سختیه (بی‌تا ۲۹ساله).

- زیر بار کارهای سنگین خونه و شرکت شکسته شدم. اگه یه بچه دیگه بیارم، دیگه هیچی از قیافه برام نمی‌مونه (راضیه ۳۴ساله).

۹. کاهش حمایت‌های خانوادگی از فرزندآوری

از نظر ولمن^۱ (۱۹۹۲) حمایت شش بعد دارد که شامل مشورت، کمک‌های عاطفی، خدماتی، کمک‌های مالی، ارائه اطلاعات، و مصاحبت و همنشینی است [۲]. شبکه اجتماعی، به‌ویژه

خویشان نزدیک، نقش عمده‌ای در حمایت افراد برعهده دارند. اما در شرایط کنونی، رشد ناهمگون شهرها و اجبارهای اجتماعی، زمینه فاصله‌های مکانی میان افراد را فراهم کرده است. برخلاف گذشته، که افراد به‌سهولت می‌توانستند در یک منطقه دور هم زندگی کنند، امروزه اقتضائات زندگی شهری و گستردگی آن، این امر را برهم زده است. به‌رغم خواست افراد، فاصله‌های اجباری افراد را از هم دور کرده است که این موضوع در امر فرزندآوری نیز تأثیرگذار بوده، چنان‌که در سخنان مصاحبه‌شونده‌ها مطرح شده است که شرایط مکانی و درگیری‌های خانواده‌ها، حمایت‌های خدماتی آن‌ها (نظیر کمک در انجام‌دادن کارهای خانه، حمایت، نگهداری، و محافظت از بچه) را با مشکل مواجه کرده است. در ادامه برخی گزیده‌های سخنان مصاحبه‌شوندگان مطرح می‌شود:

- جامعه ما تا ۱۰ - ۱۵ سال پیش طوری بود که بیشتر مادرها خانه‌دار بودن و خونه بچه‌ها به خونه مادر بزرگ‌ها نزدیک بود. اما حالا هر کدوم یه طرف شهر خونه دارن. برای همین دیگه مادرها نمی‌تونن تو نوه‌داری کمک کنن (فیروزه ۳۲ساله).

- مادر من که فوت کرده، خواهرهام هم که هر کدوم یه طرف شهر دنبال زندگی خودشون‌ان. من نمی‌تونم رو کمک اون‌ها برای بچه حساب باز کنم (زهرا ۳۰ساله).

شرایط زمینه‌ای

باروری در هر جامعه‌ای ابعاد مختلفی دارد؛ به این معنا که بر ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی و بعدها دیگر تأثیر دارد و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. در این خصوص، شرایط زمینه‌ای زنان شاغل نیز تأثیرگذار است. مطالعه حجازی (۱۳۹۲) نشان می‌دهد بین رتبه شغلی زنان و تمایل نداشتن به آوردن فرزند دوم رابطه وجود دارد و زنان با رتبه شغلی بالاتر تمایل کمتری به داشتن فرزند دوم دارند و زوجین درباره فرزندآوری در سنین بالا با نگرانی مواجه‌اند. براساس سخنان مصاحبه‌شوندگان این پژوهش می‌توان: تعداد فرزندان، سن کوچک‌ترین فرزند، وضعیت شغلی همسر، درآمد خانواده، رتبه شغلی زن، سابقه شغلی زن، و دستمزد زنان شاغل را به‌منزله شرایط زمینه‌ای مؤثر در تمایل به فرزندآوری مدنظر قرار داد.

راهبردهای کنش / کنش متقابل

۱. کم‌فرزندی اضطراری

پژوهش‌های انجام‌شده حکایت از آن دارد که زنان شاغل و زنانی که برای ورود به دنیای کار برنامه‌ریزی می‌کنند، انتظار فرزندان کمتری دارند و در واقع فرزندان کمتری نیز می‌آورند، دیرتر ازدواج می‌کنند، و احتمال اینکه بدون فرزند بمانند بیشتر است [۳، ص ۷۲]. گاه کنش کم‌فرزندی زنان شاغل برخلاف میل و خواست آن‌هاست و آنان با ارزیابی شرایط شغلی و خانوادگی خود و قوانین کاری، کنش کم‌فرزندی اضطراری را اتخاذ کرده‌اند.

- با این شرایط کاری، که به سختی کار پیدا کردم، چاره‌ای ندارم فعلاً بچه‌ای نداشته باشیم تا از موقعیت کاری‌م مطمئن بشم (بی‌تا ۲۹ ساله).
- من که به این زودی‌ها دیگه بچه نمی‌آرم، چون با کار بیرون خونه و کمک‌نکردن شوهرم بچه‌داری برام سخته (فرشته ۳۴ ساله).

۲. تأخیر در فرزندآوری

تعدادی از زنان شاغل در مواجهه با شرایط شغلی نامطمئن یا شرایط نامساعد اقتصادی خانواده، تصمیم به تأخیر و تعویق در فرزندآوری می‌گیرند که خود می‌تواند پیامدهای دیگری به همراه داشته باشد.

- اگه اوضاع اقتصادی شوهرم خوب بود و من ناچار نبودم کار کنم، از خدام بود که بچه داشته باشیم. اما با فکر مستأجری و مخارج به دنیا اومدن و بزرگ کردن بچه و... سعی می‌کنم فعلاً فرزندی نداشته باشیم (عاطفه ۳۴ ساله).

۳. فروکاستن از نقش مادری

مادران شاغل برای کاهش فشارها و مشکلات ناشی از فرزندآوری و حفظ موقعیت شغلی خود به احتمال زیاد از منابع حمایتی غیررسمی، بیشتر از زنان غیرشاغل، بهره می‌برند. استخدام پرستار کودک، گذاردن کودک در مهدکودک، کمک گرفتن از مادر و خواهر خود یا همسرشان برای نگهداری از فرزند، نقل مکان مقطعی در مجاورت مادر خود یا همسر از جمله راهکارهای کاهش فشار نقش مادری است که به نوعی همان فروکاستن از نقش مادری برای ایفای نقش شغلی است.

- برای مواظبت بچه پرستار گرفتم می‌آد خونه، اما تا حالا چند تا پرستار آوردم. بعضی از اون‌ها رو خودم رد کردم و ازشون راضی نبودم و یکی هم خودش دید کار پرستاری بچه راحت نیست گذاشت رفت (ستاره ۳۵ ساله).
- مادرشوهرم به خاطر اینکه پیر شده و باید یکی مواظب ایشون باشه عملاً نمی‌تونه بچه رو نگه داره و من می‌ترسم به وقت برای بچه اتفاقی بیفته. برای همین مجبورم برم کرج پیش مادرم (سمیه ۳۴ ساله).

۴. مدیریت زمان و شغل

گاه بین قوانین محیط کاری و الزامات ایفای نقش مادری تقابل ایجاد می‌شود. مادران شاغل هنگامی که با این تنگناها مواجه می‌شوند، می‌کوشند هم شغل خود را حفظ کنند و هم مادر خوبی باشند. اما تضادهایی که رخ می‌دهد گاهی آن‌ها را بر سر دوراهی انتخاب قرار می‌دهد. مادران شاغل برای مبارزه با بار مسئولیت مضاعف و فشار نقش، نوعی مدیریت زمان و شغل را اتخاذ می‌کنند. ترک و وقفه موقت به دلیل انجام دادن فعالیت‌های خانه‌داری و نقش مادری و رد شرایط شغلی پرمسئولیت، اشتغال خانگی، و مرخصی بدون حقوق و مجاورت در محل زندگی والدین جهت کمک نگهداری فرزند از سوی آن‌ها از جمله این موارد است. «زنان شاغل با

مدیریت زمان سعی می‌کنند بر تعارض نقشی که مادر بودن بر آن‌ها تحمیل می‌کند فایز آیند و تا جایی که امکان دارد از بار مسئولیت مضاعف خود بکاهند. این مدیریت زمان می‌تواند به شکل‌های مختلفی، مانند استفاده از منابع حمایتی رسمی و غیررسمی، انجام شود» [۹].

- اینکه من با این شرایط شغلی تونستم دوتا بچه داشته باشم به این موضوع برمی‌گرده که من اولاً خواستم که بچه داشته باشم، بعدش هم اگه آدم بتونه زندگی و کار رو از نظر وقت و زمان هماهنگ کنه و اطرافیان هم همکاری کنن، می‌شه با کار کردن ۲ - ۳ تا بچه داشت (ستاره ۳۵ساله).

- کار کردن با مادر خوب بودن منافاتی نداره. به شرط اینکه برای مادرهای شاغل تسهیلاتی در نظر بگیرن؛ مثلاً اگر مرخصی زایمان یک سال می‌شد، حداقل تا زمانی که بچهم روی پای خودش وایسته کنارش بودم (الهام ۲۶ساله).

- ای کاش می‌شد برای مادرهای شاغل شرایطی درست می‌شد تا ساعت کارشون کمتر باشه. من ناچار شدم برای بچهم چند سال پیش یک سال مرخصی بدون حقوق بگیرم (فرشته ۳۴ساله).

پیامدها

۱. همگرایی رفتارهای باروری زنان شاغل

باروری واقعی صرفاً فیزیکی نیست، بلکه پدیده‌ای مبتنی بر ذهنیات و فرهنگ جامعه است. اشاعه ارزش‌ها و هنجارهای باروری پایین و مطلوب نشان کاهش جمعیت و بی‌توجهی به پیامدهای منفی آن، به همگرایی در ایده‌آل‌های فرزندآوری و کنش کم‌فرزندی در بین اغلب خانواده‌ها، به‌ویژه در بین زوجین هر دو شاغل، منجر شده است. در حال حاضر، نگرش و رفتار باروری در همه گروه‌های سنی و در اغلب استان‌های کشور به هم نزدیک شده است و تفاوت درخور توجهی بین گروه‌های مختلف اجتماعی نیز دیده نمی‌شود؛ به طوری که نرخ باروری کل به پایین‌تر از حد جایگزینی رسیده است.

۲. فاصله گذاری زیاد موالید

اصالت دادن به پیشرفت اجتماعی، بچه‌دار شدن زوج‌های جوان را به تعویق می‌اندازد و آن‌ها با فاصله‌گذاری‌های زیاد (بیش از پنج سال) بین فرزندان علاوه بر مواجه شدن با کاهش بنیه و توان جسمی، دچار بی‌رغبتی و بی‌حوصلگی شده و امکان رشد و پرورش مناسب فرزند جدید را نخواهند داشت؛ که در نهایت به کاهش میزان موالید در کشور منجر خواهد شد.

۳. افزایش خانواده‌های تک‌فرزند

به همراه اصالت یافتن رفاه و لذت، والدین نیز فرزند بیشتر را مزاحم تلقی می‌کنند. ترکیب

رفاه‌طلبی و تک‌فرزندی خود مقوله‌ای است که می‌تواند باعث بروز مشکلات فراوانی شود. بدیهی است که فرزندان در رشد و ارتقای شخصیت والدینشان تأثیر دارند.

۴. کاهش بُعد خانوارها

رفتارهای باروری تحت تأثیر عوامل، شرایط، و زمینه‌های مختلف قرار گرفته به‌طوری‌که در تحلیل روندهای باروری همواره باید به آن توجه کرد. تغییر در شیوه زندگی، ارزش‌ها، گرایش‌ها، و آرزوهای افراد در دستیابی به رفاه و توسعه به مفهوم غربی آن، تمایل روانی، فرهنگی، یا اجتماعی خانواده‌ها را برای فرزندآوری کاهش می‌دهد و تمایل به داشتن تعداد فرزندان کمتر، موجب اقدام دیرتر جهت باروری و افزایش فاصله‌گذاری بین مولید می‌شود که در نتیجه به کاهش میزان نرخ باروری کل در کشور منجر شده است. میانگین بعد خانوار در آخرین سرشماری ۱۳۹۰ حدود ۳/۵۵ است. فرزندآوری کم، بعد خانواده را در آینده، کوچک‌تر نیز خواهد کرد.

هسته مرکزی: کم‌فرزندی به مثابه سبک زندگی

انتخاب‌های افراد، سبک خاصی از زندگی را ایجاب می‌کند. سبک زندگی به معنای الگوهایی برای روش زیستن، نوع نگرش، احساس، رفتار، باورها، و ارزش‌های فردی و اجتماعی است. از فضای کلی مصاحبه‌ها و مفاهیم و معانی این مطالعه، می‌توان کم‌فرزندآوری را به‌منزله ایده و سبک زندگی حاکم بر فضای گفتمانی جامعه استخراج کرد. از نظر برخی سوژه‌های پژوهش، فرزندآوری عرصه‌ای است که آن‌ها بیش از هر عرصه دیگری می‌توانند تصمیم‌گیری کنند و کنشگران با توجه به درکشان از شرایط زندگی فردی و اجتماعی خود و البته نیازها و خواسته‌هایشان، به‌طور بازاندیشانه سبک زندگی کم‌فرزندی را انتخاب می‌کنند. از نظر آن‌ها، تحدید فرزندآوری فرصتی برای ارتقای جایگاه اجتماعی یا کسب پرستیژ اجتماعی و وسیله‌ای برای دستیابی به فرصت‌های شغلی و بهره‌مندی بیشتر از فرصت‌های اجتماعی محدود در سطح جامعه است. البته برخی از زنان شاغل نیز به ناچار سبک زندگی کم‌فرزندی را در پیش گرفته و به جهت شرایط اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی، و شغلی خود، وادار به کم‌فرزندآوری شده و کنش تأخیر در فرزندآوری و تحدید فرزندان را برخلاف میل و خواست خود اتخاذ کرده‌اند؛ به نظر اغلب سوژه‌ها، کم‌فرزندی جزء تفکیک‌ناپذیری از رفتار اجتماعی و سبک زندگی کنونی است و فضای فرهنگی جامعه نیز تحدید فرزندان را تشویق کرده و کم‌فرزندی گفتمان اغلب گروه‌ها و اقشار جامعه شده است.



شکل ۱. مدل پارادایمیک چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل

نتیجه گیری و پیشنهادها

تصور و معنای مادری در جامعه امروز تغییر کرده است؛ به گونه‌ای که دیگر نقش مادری تنها یا بهترین نقش زنان تلقی نمی‌شود، بلکه زنان این نقش را در کنار و همراه سایر نقش‌ها مورد ملاحظه قرار می‌دهند و برای بعضی از زنان جوان، مادری اولین یا شاید تنها هدف از ازدواج یا غایت زندگی زنانه‌شان محسوب نمی‌شود و انگیزه «مادرشدن» همانند دوران گذشته پررنگ نیست. در زندگی امروزی، برنامه‌ریزی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی بر اصل زندگی خانوادگی پیشی گرفته و هویت شغلی و تحصیلی از عناصر تشکیل‌دهنده شخصیت افراد شده، به طوری که به تدریج زنان را از نقش مادری دور کرده است. زنان در طی دهه‌های اخیر، به گسترش فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی خود توجه بیشتری دارند و تعاریف جنسیتی از نقش‌های مردانه و زنانه متحول شده است؛ به طوری که با تنوع و چندگونگی نقش‌های زنان مواجهیم. روندهای جهانی شدن و تغییر نگرش‌ها، هویت فردی و اجتماعی زنان را تغییر داده و زنان هویت زنانه خود را در جایی خارج از خانه جست‌وجو می‌کنند و کاهش فرزندآوری بهایی برای کسب مهارت‌های اجتماعی نظیر میزان تحصیلات، شغل، و درآمد شده است [۱].

تغییر نظام ارزشی و نگرشی زنان، به مطالبه هر چه بیشتر آن‌ها جهت مشارکت در صحنه‌های اقتصادی و اجتماعی منجر شده و ایجاد زمینه‌های مساعد مشارکتشان در فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی جامعه، به پیدایش خانواده‌های هر دو شاغل انجامیده است؛ به طوری که هر دو زوج شاغل، ساعاتی را در خارج از خانه سپری می‌کنند. این تحول، سبک نوینی از زندگی را به وجود آورده است. البته اشتغال زوجین در یک خانواده، مزایای متعددی به همراه دارد، اما فشار و استرس قابل ملاحظه‌ای را نیز به موجب ایفای نقش‌های کاری و خانوادگی بر فرد و همسرش وارد می‌آورد. در این خانواده‌ها، افراد با تقاضاهای دوگانه کار و خانواده روبه‌رو هستند که به افزایش سطح تضاد بین خانواده و کار منجر می‌شود. در پاره‌ای از موارد، افراد برای حفظ مزایای مادی ناشی از اشتغال، دیر یا زود آن دسته از نقش‌های خود را که ارتقای شغلی آن‌ها را تهدید می‌نماید، رها می‌کنند که در نتیجه، هویت آن‌ها در ایفای نقش‌های خانوادگی تضعیف می‌شود و این تصور ایجاد می‌شود که یکی از نقش‌ها مزاحم یا مانع ایفای نقش دیگر است، بنابراین باید تلاش کرد دامنه و حوزه وظایف خانوادگی را محدود کرد. یکی از این حوزه‌های بسیار حساس وظایف خانوادگی، نقش مادری و فرزندآوری است که در چنین وضعیتی، عمده‌تاً این نقش مانع ایفای نقش‌های شغلی می‌شود؛ به گونه‌ای که مطرح می‌شود تعهدات و مسئولیت‌های کاری و شغلی با خصایص خانوادگی نظیر تعداد و سن فرزندان بر میزان احساس فشار ناشی از ایفای چند نقش متفاوت، مؤثر است. هر چقدر درگیری شغلی فرد شاغل، به‌ویژه زنان

شاغل، بیشتر باشد، به همان نسبت نیز در انجام دادن وظایف خانگی با مشکل مواجه خواهند شد، زیرا قوانین شغلی و فضای اداری و کاری انعطاف و قابلیت لازم برای انجام وظایف نگهداری کودکان و امور خانواده را ندارد.

درخواست‌های کاری و خانوادگی به همراه کاهش حمایت‌های خانوادگی والدین زوجین جوان درخصوص نگهداری فرزندان در شهرهای بزرگ، زوجین را به اتخاذ راهبردهایی نظیر تأخیر در فرزندآوری، کاهش بعد خانوار، و کاهش تعداد فرزند و فاصله‌گذاری زیاد بین موالید سوق می‌دهد، زیرا افزایش تعداد فرزندان و کوچکی سن آن‌ها، مسئولیت مراقبت از کودکان را برای زنان شاغل سنگین‌تر می‌کند. انعطاف‌ناپذیری زمان کار و فقدان یا ناکافی بودن توانایی و اختیار فرد برای تعیین و نظارت بر برنامه زمان‌بندی کار و ساعات کار زیاد و طولانی در برخی مشاغل، به‌ویژه مشاغل خدماتی، آزادی فرد را برای رسیدگی و توجه به تقاضاهای خانوادگی و نقش مادری محدود می‌کند. شرایط اضطراری خانوادگی و مراقبت از کودک محرک‌های تنش‌زای محیط‌های کاری و گاه عدم حمایت اجتماعی اعضای خانواده و عدم حساسیت سرپرست شغلی از درک نیازهای خانوادگی و مادری فرد، زمینه مساعدی فراهم می‌کند تا زوجین شاغل، کنترل اندازه خانواده را به‌رغم میل باطنی در نظر بگیرند. در مجموع، تحولات سالیان اخیر در ایران نشان می‌دهد که با نفوذ ارزش‌های غربی، هنجارهای سنتی رو به ضعف نهاده و به تغییر در ایده‌ها و نگرش‌های افراد در مورد نقش همسری و والدینی منجر شده و بر رفتار باروری افراد تأثیر گذارده است. به‌طوری‌که در دهه‌های اخیر نرخ باروری کل در ایران به جهت عوامل مختلف تغییرات چشمگیری داشته که در این میان افزایش مشارکت زنان در نیروی کار و اشتغال مدرن به ایجاد چالش‌هایی درون‌شغلی در زمینه فرزندآوری انجامیده است. از سوی دیگر، زنان شاغل با چالش‌های مختلف برون‌شغلی پیرامون فرزندآوری نیز دست به‌گریبان‌اند.

صرف زمان جهت تحصیلات و کسب موقعیت شغلی مناسب، از طول سال‌هایی که زنان بالقوه دارای توانایی فرزندآوری هستند می‌کاهد و با ورود آن‌ها به دنیای کار و حرفه نیز معمولاً احساس ناامنی شغلی و تهدید به اخراج یا از دست دادن کار یا پست سازمانی به واسطه مدت زمان بارداری و مرخصی زایمان، گرایش زنان شاغل را به فرزندآوری کاهش می‌دهد. زنان شاغل با کسب درآمد و استقلال مادی، اختیار و آزادی بیشتری در تصمیم‌گیری‌های فردی و خانوادگی مطالبه می‌کنند و درخصوص زمان و تعداد فرزندآوری نیز چانه‌زنی و اعمال قدرت خواهند کرد.

در مجموع، برخی از راهبردها و اقدامات ملی در جهت افزایش فرزندآوری با توجه به شرایط شغلی زنان را می‌توان در محورهای ذیل مطرح کرد:

الف) راهبرد تسهیل فرزندآوری زنان شاغل

- ایجاد و توسعه مهدکودک‌ها و مراکز مراقبت از فرزندان در محیط‌های کاری و آموزشی؛
- طرح افزایش مرخصی زایمان با حقوق و حفظ پست سازمانی آن‌ها؛
- تقویت محیط‌های کار دوستدار خانواده؛
- کاهش ساعت‌های حضور بانوان در محیط‌های کار؛
- مرخصی استعلاجی در صورت بیماری فرزند؛
- ارائه تسهیلات و کمک‌هزینه زایمان به زنان شاغل.

ب) راهبرد ترغیب زنان به اشتغال در منزل

- به رسمیت شناختن شغل خانه‌داری به منظور پیشگیری از گرایش زنان به مشاغل مغایر با شأن خود و خانواده؛
- توسعه مشاغل خانگی و فعالیت‌های شغلی در منزل؛
- ایجاد مشاغل نیمه‌وقت و انعطاف‌پذیر در منزل؛
- تشویق زنان به حضور در فعالیت‌های گروهی غیردولتی از جمله در امور خیریه، امداد، حمایت از سالمندان، پژوهش، هنر، و حفظ محیط زیست.

منابع

- [۱] آقاجانیان، اکبر؛ رجبی، ماهرخ (۱۳۸۱). «ارزش کودکان و رشد خانواده در شهر و روستا»، دانشگاه شیراز: بخش برنامه‌ریزی و جامعه‌شناسی.
- [۲] باستانی، سوسن؛ صالحی هیکویی، مریم (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت، بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی، و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران»، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۰، ص ۸۷-۶۳.
- [۳] بستان، حسین و همکاران (۱۳۸۵). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۲.
- [۴] حجازی، سید ناصر (۱۳۹۲). «نگرش زنان شاغل به آوردن فرزند دوم و عوامل مؤثر بر آن»، مجله تحقیقات نظام سلامت، س ۹، ش ۷.
- [۵] رهنورد، زهرا و همکاران (۱۳۷۹). «تحلیل مسیر و تبیین عوامل مؤثر بر باروری کل سال ۱۳۷۹ ایران»، فصلنامه حیات، س ۸، ش ۳-۴ (پیاپی ۱۶).
- [۶] زارع شاه‌آبادی، اکبر (۱۳۸۵). «تبیین جامعه‌شناختی کاهش باروری زنان در شهر یزد»، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

- [۷] ضیایی بیگدلی، محمدتقی و همکاران (۱۳۸۵). «رابطه بین میزان باروری کل با توسعه اقتصادی و اجتماعی»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۵، ش ۲۱.
- [۸] عباسی شوزای، محمدجلال؛ علی ماندگاری، ملیحه (۱۳۸۹). «تأثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری آن‌ها در ایران»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ش ۱.
- [۹] قاضی طباطبایی، محمود؛ مهری، نادر (۱۳۹۲). «سنجش تأثیر مسئولیت زنان شاغل بر باروری در ایران»، دوره ۱۱، ش ۱، بهار ۱۳۹۲، ص ۲۹-۴۴.
- [۱۰] کلانتری، صمد و همکاران (۱۳۸۹). «بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن»، جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۱، پیاپی ۳۷، ص ۸۳-۱۰۴.
- [۱۱] منصوریان، سید محمدکریم؛ خوشنویس، اعظم (۱۳۸۵). «ترجیحات جنسی و گرایش زنان همسرदार به رفتار باروری: مطالعه موردی شهر تهران»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۴، ش ۲، تابستان ۱۳۸۵، پیاپی ۴۷، ویژه‌نامه (جمعیت و توسعه).
- [۱۲] مهربار، امیرهوشنگ؛ تاج‌الدینی، فرناز (۱۳۸۱). «تأثیر سواد و تحصیلات و فعالیت‌های اقتصادی زنان در نرخ باروری در ایران: تحولات اخیر و آینده ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۱۳] موسایی، میثم و همکاران (۱۳۸۹). «نرخ باروری و میزان مشارکت زنان در نیروی کار (مطالعه موردی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا)»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، ش ۲.
- [۱۴] میرمحمدصادقی، جواد و همکاران (۱۳۸۹). عوامل اجتماعی-اقتصادی و جمعیت‌شناختی مؤثر بر باروری در مناطق روستایی شهرستان نجف‌آباد، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، ش ۱، ص ۱۴۳-۱۵۹.
- [۱۵] نوروزی، لادن (۱۳۷۷). «بررسی تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی بر میزان باروری زنان در ایران»، مجله برنامه و بودجه، س ۳، ش ۶، پیاپی ۳۰، ص ۶۱-۷۸.
- [16] Razavi, Sh. (2001). Effects of Globalization on the Women in the Informal Sector, available at www.workandskills.ch/downloads/glipto.Pdf.
- [17] Orloff, a. (2002). Women's Employment and Welfare Regimes, Globalization, Export Orientation and Social Policy in Europe and North America, United Nations Research Institute for Social Development.
- [18] Ling yang, H. "Education Married Woman's Participation, Fertility and Economic Growth", Journal of Economic Development, Vol ,25, No. 2, December 2000.
- [19] Glaser, B. et al. (1967). Discovery of Grounded Theory, Transaction Publishers, U. S. Publisher.

- [20] Thornton, A, G. Binstock, and D. Ghimire (2004). International Networks, Ideas, and Family Change. PSC Research Report. October 2004.
- [21] Strauss, A. L. & J. Corbin (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, 2nd edn. Sage.

Archive of SID